

دانشگاه و قیام

گزارشی از فعالیت دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران در جنبش اعتراضی ژینا

مرداد ۱۴۰۲

فهرست مطالب

کنش‌های دانشجویی در طول قیام؛

-تجمعات

-تحصن‌ها

-اعتصابات

-هنر اعتراضی

-همخوانی‌ها

-بیانیه‌ها

حراست در طول قیام و پس از آن؛

-حراست و سرکوب اعتراضات دانشجویی

-نقش حراست پس از سرکوب گسترده اعتراضات

کمیته انضباطی؛

-احضار به اتهام عدم رعایت ضوابط پوشش

-کمیته انضباطی و حقوق دانشجویی؛

(۱) قانونی نبودن اتهامات و تخلفات انتسابی

(۲) ارائه تفاسیر نادرست از مواد شیوه نامه

(۳) عدم رعایت مدت های تصریح شده در شیوه نامه

(۳/۱) مدت احضار دانشجویان

(۳/۲) ابلاغ های غیر قانونی و جعل در تاریخ ابلاغ

(۴) ممنوع ورودی

(۵) جلسات شبه بازجویی

(۶) جلسات رسیدگی

(۷) اجرایی شدن حکم قبل از قطعی شدن آرا

اساتید؛ کنش‌ها و سرکوب‌ها

کنش‌های دانشجویی در طول قیام

در طی جنبش زن زندگی آزادی و پس از قتل حکومتی مهسا امینی در تاریخ ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱، دانشجویان دانشگاه تهران از روش‌های مختلفی برای اعلام اعتراض و انزجار خود نسبت به سیستم حکومتی استفاده کردند که برخی از نمونه‌های آن و همچنین سرکوب‌های صورت گرفته بر علیه آنان را بررسی می‌کنیم. بر اساس آمارهای قطعی بدست آمده، در دانشگاه تهران بیش از ۳۰۰ دانشجو در طول جنبش توسط نهادهای امنیتی به مدت حداقل بیش از یک شبانه‌روز بازداشت شدند. آمار دقیقی از کل دانشجویان دستگیر شده موجود نیست اما تخمین زده می‌شود که حدود ۶۰۰ دانشجو در طول قیام توسط نیروهای امنیتی دستگیر و یا بازداشت شده‌اند. همچنین از این بین، بیش از ۵۰ دانشجو با محکومیت قضایی مواجه شدند. مجازات‌ها، از یک سال حبس تعلیقی تا ۵ سال حبس تعزیری را شامل می‌شدند. همچنین تخمین زده می‌شود که بطور میانگین از هر ۵ دانشجوی معترض حاضر در تجمع‌ها و تحصن‌ها، ۳ الی ۴ نفر دانشجوی دختر بوده‌اند که از حضور بسیار پررنگ دانشجویان دختر در این جنبش حکایت دارد.

(توجه: اطلاعات این بخش از گزارش از منابعی مانند کانال شوراها صنفی دانشجویان کشور و تهران دانشجو استخراج شده و در نتیجه ممکن است همه مصادیق اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران را در برنگیرد.)

تجمعات

نخستین کنش جمعی دانشجویان کشور در واکنش به قتل مهسا امینی در روز یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ رخ داد. در این روز بسیاری از دانشجویان در پی فراخوان سوگواری برای قتل مهسا امینی در دانشکده هنرهای زیبا حضور یافتند که پس از مدتی بطور کاملاً خودجوش و بدون برنامه قبلی، جمعیت دانشجویان آغاز به حرکت کرده و شعارهایی سردادند. اینگونه نخستین تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران در پردیس مرکزی شکل گرفت. در این تجمع برای نخستین بار شعار «زن زندگی آزادی» با الهام از مردم کردستان، سرداده شد.

در روز ۲۸ شهریور، دومین تجمع دانشجویان بار دیگر در پردیس مرکزی برگزار شد. از جمله شعارهای این تجمع می‌توان به «به نام دین و قانون، حلال شده خونمون»، «کشتن برای روسری، تا کی چنین خاک بر سری»، «فقر

و فساد و بیداد، مرگ بر این استبداد»، «از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان»، «حراست کذایی قاتل ما شمایی»، «ننگ ما ننگ ما، پلیس الدنگ ما»، «می کشم می کشم، هرآنکه خواهرم کشت»، «ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم»، «حراست و سپاهی، پیوندتان مبارک» اشاره کرد. یکی از شعارهای مهمی که در طول جنبش بارها توسط دانشجویان دانشگاه تهران سرداده شد، شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر» بود که به خوبی بیانگر مشی فکری و آزادی خواهی دانشجویان دانشگاه تهران است.

دانشجویان در تاریخ ۲۹ و ۳۰ شهریور نیز تجمع کردند. در سیام شهریور یکی از مهمترین تجمعات دانشجویی شکل گرفت. در این روز، بسیجی ها سعی در برگزاری تجمعی موازی داشتند و سپس به تجمع دانشجویان حمله ور شدند. رویارویی دانشجویان معترض و بسیجی ها در مقابل سردر دانشگاه صورت گرفت. سردر دانشگاه یکی از استراتژیک ترین نقاط دانشگاه بود و تمام تمرکز نیروهای بسیج و حراست در طول تجمعات بر این نقطه از دانشگاه قرار داشت. تا پیش از تجمع ۳۰ شهریور، شمار بسیجی ها در قیاس با دانشجویان معترض بسیار اندک بود. اما در این روز، با ورود بسیاری از نیروهای لباس شخصی به دانشگاه و حضور گسترده تر نیروهای حراست، شمار آنان افزایش یافت. پس از این تجمع، قریب به ۳۰ دانشجو توسط حراست به شکل غیرقانونی بازداشت شده و تحویل نیروهای امنیتی داده شدند. همچنین در اقدامی بی سابقه و خلاف قانون، خودروی نیروهای امنیتی برای انتقال دانشجویان بازداشتی وارد دانشگاه شد و یکی از دانشجویان در داخل دانشگاه توسط این نیروها مورد ضرب و شتم قرار گرفت. پس از این روز شیوه سرکوب حراست تغییر پیدا کرد و فیزیکی تر شد. همچنین موج بازداشت فعالین دانشجویی در منازل شخصی از این روز شدت گرفت.

پس از شکل گیری تجمعات دانشجویی مختلف، چندین دانشگاه در شهر تهران به مدت یک هفته مجازی شدند. در دوم مهرماه و پس از تعطیلی دانشگاه، حراست مانع از ورود دانشجویان به دانشگاه شد. در این روز با شلیک گلوله های ساچمه ای توسط نیروهای سرکوب و بستن در ورودی ۱۶ آذر توسط حراست، قریب به ۴۰ تا ۵۰ دانشجو مقابل درهای دانشگاه روبرو شدند. در ۳م مهرماه دانشجویان ساکن خوابگاه های کوی دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع که در ساعات ابتدایی شب آغاز شد و پس از چند ساعت به پایان رسید، نخستین تجمع اعتراضی کوی دانشگاه در جریان جنبش زن زندگی آزادی بود.

بازداشت های گسترده، بر آتش خشم دانشجویان دمید و انگیزه های تازه ای شد برای شکل گیری تجمعات در دانشگاه. در ۹ مهرماه، پس از بازگشت دانشجویان به دانشگاه، تجمعات مختلفی در سطح دانشگاه شکل گرفت. در دانشکده گان فنی (دانشکده برق)، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، پردیس منابع طبیعی و پردیس مرکزی دانشجویان تجمع کردند. در پردیس مرکزی، تجمع دانشجویان به شدت سرکوب شد. نیروهای امنیتی دانشگاه را محاصره کرده و با تفنگ های ساچمه ای به سمت دانشجویان شلیک کردند. گزارشاتی از پرتاب گاز اشک آور در

داخل دانشگاه هم وجود دارد. همچنین در این روز چندین دانشجوی در اتاقک حراست حبس شدند و دو تن از دانشجویان نیز به نیروهای امنیتی تحویل داده شدند. از جمله شعارهای دانشجویان می‌توان به «دانشجوها تو زندون، استادامون خفه خون»، «تهران شده بازداشتگاه، اوین شده دانشگاه» اشاره کرد. در تاریخ ۱۰ مهر نیز در پردیس مرکزی و دانشکدگان فنی، دانشجویان تجمع و تحصن کردند. به گزارش شورای صنفی دانشگاه، در طی این دو روز، در مجموع ۳۵ دانشجو بازداشت شدند.

در تاریخ ۱۱ مهر، پس از وقوع فاجعه دانشگاه شریف، دانشجویان دانشگاه تهران در همصدایی با آنان تجمعات گسترده‌ای را شکل دادند. در این روز در دانشکده زبان‌ها، مدیریت و پردیس مرکزی تجمعاتی شکل گرفتند. در این تجمع‌ها علی‌رغم حضور گسترده نیروهای لباس شخصی و فضای به شدت امنیتی، دانشجویان در مقابل نیروهای سرکوب ایستادگی کرده و شعارهای متعددی سردادند. «می‌جنگیم می‌میریم، ایرانو پس می‌گیریم»، «شریف شده غرق خون، استادامون خفه خون»، «از کردستان تا سیستان، خونین تمام ایران» از جمله این شعارها است. همچنین در دانشکده فیزیک نیز تجمعی با همراهی چند تن از اساتید شکل گرفت. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز در همراهی با دانشجویان دانشگاه شریف تجمع کردند.

در ۱۲ مهرماه نیز در دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی تجمعاتی شکل گرفتند. دانشجویان دانشکده مدیریت در همراهی با دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس شعار «تهران مدرس، اتحاد اتحاد» سردادند. در دانشکده علوم اجتماعی نیز شعارهای «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «علی‌نژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد»، «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون» سرداده شد. همچنین در پردیس مرکزی نیز علی‌رغم جو امنیتی، شعار «شریف شریف‌تر میشه، بسیج حقیرتر میشه» سرداده شد. همچنین در دانشکده زبان‌ها نیز دانشجویان تحصن کردند.

در ۱۶ مهر نیز دانشجویان دانشگاه در دانشکدگان فنی، دانشکده مدیریت و پردیس مرکزی تجمع کردند. همچنین تحصن گسترده‌ای در دانشکده فنی در اعتراض به بازداشت دانشجویان شکل گرفت. در این روز دانشجویان دندانپزشکی نیز به همراه برخی از اساتید تحصن کردند. در ۱۷ مهر نیز علی‌رغم بازداشت‌های گسترده و برخوردهای خشن حراست، دانشجویان دانشگاه در پردیس مرکزی و دانشکده علوم اجتماعی تجمع کردند. همچنین در تاریخ ۱۹ مهرماه، با عمومی شدن خواسته دانشجویان کشور مبنی بر مختلط کردن سلف‌ها، دانشجویان دانشکدگان فنی بصورت مختلط در سلف غذاخوری حاضر شدند.

۲۰ مهرماه، نقطه عطفی در اعتراضات دانشگاه تهران بود. در این روز علی‌رغم فشارهای گسترده و کم‌شمار شدن تجمع‌ها به نسبت هفته‌های اول، جمعیت زیادی در پردیس مرکزی حضور یافتند. این تجمع در جوی شدیداً امنیتی شکل گرفت. اینترنت دانشگاه قطع شد و از تصویربرداری شدیداً ممانعت به عمل آمد. در این روز شمار بسیار زیادی از نیروهای لباس شخصی در دانشگاه حضور یافتند. این افراد با حضور در میان دانشجویان معترض،

سعی داشتند تا فضا را متشنج کنند. نیروهای حراست نیز چندین بار با دانشجویان درگیر شده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. همچنین در تمام مدت، دانشگاه و خیابان‌های اطراف، در محاصره نیروهای یگان ویژه قرار داشت. گزارش‌های تصویری حاکی از شلیک تعداد زیادی ساچمه به سمت دانشجویان است. در این روز، حراست چندین تن از دانشجویان را تحویل نیروهای امنیتی داد. همچنین در اقدامی عجیب، نیروهای حراست تعدادی از دانشجویان را در اتاقک حراست مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. گفتنی است در این روز تعدادی از نیروهای سرکوب به خوابگاه پسرانه «حافظ» یورش بردند. واقعه‌ای که می‌توانست یکی دیگر از فجایع جنبش دانشجویی را بیافریند که با مداخله و ایستادگی نگهبان، نیروهای امنیتی نتوانستند وارد ساختمان خوابگاه شوند. سرانجام این تجمع با خشونت‌ورزی لباس شخصی‌ها، سرکوب دانشجویان را وارد مرحله تازه‌ای کرد. از جمله شعارهای معترضان می‌توان به «شعارتون گفتگو، تفنگتون سمت ماست»، «دانشجو کارگر، اتحاد اعتصاب»، «از خیابون می‌ترسن که راه مارو بستن»، «مرگ بر دیکتاتور»، «آزادی با وثیقه، اینم شده یه حيله» اشاره کرد.

در ۲۳ مهرماه نیز دانشجویان به اعتراض خود ادامه دادند. اینبار در دانشکدگان فنی و پردیس مرکزی تجمعات گسترده‌ای شکل گرفته شد. شمار دانشجویان حاضر در تجمع پردیس مرکزی بسیار بیشتر از قبل بود. در این روز، حراست در اقدامی وقیحانه، ۲۲ تن از دانشجویان را در هنگام خروج در اتاقک حراست محبوس کرده و مورد ضرب و شتم با لگد و مشت و همچنین شوکر قرار می‌دهند. دانشجویان به مدت ۵ ساعت در این اتاقک زندانی می‌شوند. گفتنی است در دانشکده دندانپزشکی، دانشجویان اقدام به مختلط کردن سلف نیز کردند.

در ۲۴ مهر نیز دانشجویان در پی حادثه زندان اوین در دانشکدگان فنی تجمع کردند و شعارهای «تهران شده بازداشتگاه، اوین شده کشتارگاه»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» سردادند. همچنین دانشجویان رشته ریاضی در دعوت به تداوم اعتصاب کلاس‌ها، در راهروی این دانشکده تحصن کردند. دانشجویان پردیس فارابی نیز در اعتراض به تفکیک جنسیتی سلف‌ها، غذای خود را به محوطه دانشگاه برده و شعار «زن زندگی آزادی» را سردادند.

در ۲۵ مهرماه، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی تجمع کردند. این تجمع با حضور گسترده نیروهای امنیتی و حراست همراه شد و در جریان آن، دانشجویان و چند تن از اساتید داخل دانشگاه ضرب و شتم شدند و چند دانشجو نیز بازداشت شدند. همچنین در دانشکده دندانپزشکی نیز تجمعی شکل گرفت. دانشجویان رشته صنایع نیز در حمایت از همکلاسی‌های خود، در این روز تحصن کردند.

در تاریخ ۲۶ مهر نیز دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی در اعتراض به ضرب و شتم صورت گرفته، تجمع کردند. در این تجمع چند تن از اساتید نیز حضور یافتند. همچنین در دانشکده زبان‌ها، دانشجویان سلف غذاخوری را مختلط کردند که این اقدام آنها با تهدید و ارباب حراست روبرو شد. دانشجویان دانشکده فیزیک نیز در این روز

تحصن کردند. در ۲۷ مهر، با آنکه تجمعی از سمت دانشجویان شکل نگرفت، اما برگ جدیدی از سرکوب‌های حراست رو شد. بر اساس گواه شاهدان، عده‌ای از مامورین لباس شخصی با لباس حراست در گیت‌های دانشجویی حضور یافتند و کارت دانشجویی دانشجویان را چک کردند. همچنین این افراد از ورود دانشجویانی که دانشکده‌هایشان در پردیس مرکزی نبود، جلوگیری کردند. همچنین تمامی دانشجویان علوم پزشکی از ورود به پردیس مرکزی دانشگاه تهران منع شدند. دانشجویانی که بارها در همراهی با دانشجویان دانشگاه تهران تجمعات مشترکی را شکل داده بودند.

در ۳۰ مهر نیز دانشجویان در پردیس مرکزی، پردیس شمالی و دانشکدگان فنی تجمعات گسترده‌ای را شکل دادند. پس از جذب نیرو از سوی حراست و پررنگ شدن نقش این نهاد در سرکوب دانشگاه، شکل دادن تجمعات گسترده بخصوص در پردیس مرکزی به شدت دشوار شد. در این بازه نیروهای حراست در اقدامی خلاف قانون، کارت دانشجویی دانشجویان دانشکده‌های خارج از پردیس مرکزی را در هنگام ورود جلب می‌کردند. همچنین همانند ۳۰ مهر، نیروهای حراست در پردیس مرکزی حضور می‌یافتند و با متفرق کردن دانشجویان مانع از شکل‌گیری تجمع می‌شدند. در نتیجه رفته‌رفته تجمع‌های دانشجویی در دیگر دانشکده‌ها شکل گرفتند که تجمع پردیس شمالی و پردیس فنی حاکی از این تغییر الگوست. دانشجویان دانشکدگان فنی در این روز مقابل سلف دانشجویی تجمع کرده و شعار «رئیس کجایی؟ به ما ناهار ندادند» سردادند. همچنین در پردیس مرکزی و در دانشکده فنی نیز دانشجویان شعار دادند. از جمله این شعارها می‌توان به «توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد، به مادرم بگوئید دیگر دختر ندارد» اشاره کرد. در دانشکده روانشناسی نیز دانشجویان تحصن کردند.

در ۱۱م آبان‌ماه نیز دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی در اعتراض به حضور نمایشی رئیس دانشگاه در این دانشکده، دست به تحصن و تجمع زدند. از جمله شعارهای این روز می‌توان به «دانشگاه و مدرسه، سرکوب و کشتار بسه»، «بیا بیرون مقیمی، نترس باتوم نداریم» اشاره کرد. دانشجویان دانشکده زبان‌ها نیز علی‌رغم سرکوب گسترده و حضور پرتعداد نیروهای حراست، توانستند در این روز در سلف غذاخوری بصورت مختلط حضور یابند. همچنین در دانشکده هنرهای زیبا نیز دانشجویان پس از ممانعت از ورود به سلف غذاخوری، غذای خود را به ساختمان مرکزی بردند.

در دوم و سوم آبان‌ماه نیز دانشجویان در دانشکده هنرهای زیبا، دانشکدگان فنی، زبان‌ها و مدیریت اقدام به رفع تفکیک جنسیتی سلف‌ها کردند. همچنین تجمعاتی هم در دانشکده روانشناسی، زبان‌ها و مدیریت شکل گرفت. در دانشکدگان فنی نیز در پی ضرب و شتم دانشجویان توسط حراست و مامورین لباس شخصی، دانشجویان تجمع کرده و شعارهایی سردادند.

۴ آبان مصادف با چهلّم مهسا امینی، یکی از سیاه‌ترین روزهای دانشگاه بود. دانشجویان علی‌رغم سرکوب گسترده و بازداشت بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان، در دانشکدگان فنی، پردیس مرکزی، پردیس شمالی و پردیس کشاورزی و منابع طبیعی تجمع کردند. در پردیس منابع طبیعی نیز، تجمع گسترده‌ای شکل گرفت و شعارهایی مانند «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» سر داده شد. در پردیس مرکزی دانشگاه، چندصد نفر از دانشجویان تجمع کرده و شعارهای از قبیل «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه» و «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» سر دادند. همچنین در داخل دانشگاه نیروهای بسیج و حراست مکررا به دانشجویان معترض حمله می‌کردند. خیابان‌های اطراف دانشگاه نیز توسط نیروهای امنیتی قرق شده و گزارش‌ها حاکی از شلیک گلوله ساچمه‌ای و گاز اشک‌آور به سمت دانشجویان بودند. در نتیجه این حمله چندتن از دانشجویان آسیب دیدند. اما در دانشکدگان فنی، کوی پسران و پردیس شمالی واقع در امیرآباد، سرکوب به اوج خود رسید. تجمع‌های دانشجویی در دانشکدگان فنی با شلیک گاز اشک‌آور و گلوله ساچمه‌ای به داخل دانشگاه همراه شد. صورت یکی از دانشجویان در نزدیکی دانشکده مکانیک مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت. بر اساس گزارشات، جو خیابان امیرآباد به شدت متشنج بود به گونه‌ای که نیروهای امنیتی بطور مداوم رفت و آمد می‌کردند و به سمت دانشجویان و مردم با گلوله‌های ساچمه‌ای شلیک می‌کردند. چندتن از دانشجویان تنها بدلیل عبور از این خیابان در مقابل کوی پسران، مورد اصابت گلوله‌ها قرار گرفته و آسیب دیدند. نیروهای امنیتی و یگان ویژه کوی پسران را محاصره کرده و از بیرون به سمت دانشجویان شلیک می‌کردند. چندتن از دانشجویان داخل مجتمع کوی مورد اصابت گلوله‌ها قرار گرفتند و بسیاری از پنجره‌ها نیز شکسته شدند. اما با اینهمه دانشجویان دست از مقاومت برنداشتند. دانشجویان دانشکده زبان‌ها، تربیت‌بدنی و کارآفرینی باهم متحد شده و تجمع گسترده‌ای را در پردیس شمالی شکل دادند. این تجمع به شدت سرکوب می‌شود؛ با توجه به حضور گسترده نیروهای سرکوبگر در خیابان‌ها، بسیاری از دانشجویان در هنگام ورود به دانشکده‌هایشان مورد اصابت گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفتند. همچنین هنگامی که جمعیت دانشجویان به نزدیکی خیابان‌های مجاور رسید، داخل دانشگاه هدف نیروهای سرکوبگر قرار می‌گیرند. این نیروها با شلیک بی‌امان گلوله‌های ساچمه‌ای و پرتاب گاز اشک‌آور، موجب آسیب‌دیدگی جدی دست‌کم ۱۰ دانشجو می‌شوند. حال یکی از دانشجویان چنان وخیم بوده که تا نیمه‌های شب در بیمارستان بستری می‌شود. گفتنی است در همین حین، بسیاری از مردم حاضر در خیابان در همراهی دانشجویان شعارهایی سرمی‌دهند. پس از آن نیز با شکل‌گیری تجمعی در کوی پسران، بار دیگر دانشجویان پردیس شمالی جمع شده و در همصدایی با آنان شعارهایی سر می‌دهند. پس از این سرکوب گسترده، در شامگاه این روز، دانشجویان در کوی تجمعی را شکل می‌دهند. همچنین در خوابگاه دخترانه پردیس کشاورزی نیز دانشجویان شعارهایی را سر دادند. در این روز قریب به ۵۰ نفر از دانشجویان دستگیر می‌شوند. همچنین بسیاری از دانشجویان پس از این روز، بصورت غیرقانونی ممنوع‌الورود شدند.

در طول جنبش، شاید ۷ آبان، خونین‌ترین و تاریک‌ترین روز در دانشگاه تهران باشد. در این روز در پردیس مرکزی دانشگاه، تجمع دانشجویان توسط حراست و بسیج به خشونت کشیده شد. بسیاری از دانشجویان در داخل دانشگاه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. همچنین چندین تن از دانشجویان توسط حراست ربوده شده و در اتاق‌های حراست حبس شدند. نیروهای حراست علنا با دانشجویان درگیر شده و آنان را در داخل دانشگاه مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. همچنین در پردیس شمالی علی‌رغم سرکوب صورت گرفته در ۴ آبان، بازهم دانشجویان تجمع کردند. دانشجویان دانشکده روانشناسی نیز در این روز تجمع کردند. اما این پایان ماجرا نبود. در ظهر این روز جمعیت کثیری از دانشجویان در دانشکدگان فنی واقع در امیرآباد تجمع کردند. در این تجمع شعارهایی از قبیل «شاهچراغ رکس دیگست، اینم یه نیرنگ دیگست»، «سپاهی و ولایت، عامل هر جنایت»، «خونی که در رگ ماست، خوراک رهبر ماست» سرداده شد. اما پس از برگزاری تجمع، پردیس فنی در محاصره نیروهای امنیتی قرار گرفت و جو شدیداً امنیتی‌ای بر دانشکده حاکم شد. به گونه‌ای که بسیاری از دانشجویان در هنگام خروج از دانشکده به زور وارد ون‌های نیروهای امنیتی شده و بسیاری از آنان نیز بازداشت شدند. در نتیجه این جو امنیتی، تعداد زیادی از دانشجویان تا پاسی از شب در پردیس فنی باقی ماندند. بی‌شماری نیروهای امنیتی و حراست به اینجا ختم نشد. حراست در اقدامی بی‌سابقه و مشابه واقعه رخ داده در کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸، درهای دانشگاه را به روی خیل عظیمی از نیروهای لباس شخصی گشود. این نیروها در داخل دانشگاه بدنبال دانشجویان می‌گشتند و بسیاری از آنان را بازداشت کرده و مورد ضرب و شتم قرار دادند. این نیروهای خودفرمان همچنین به اموال دانشگاه نیز آسیب‌های جدی رساندند. بسیاری از دانشجویان در هنگام فرار از دست این نیروها به خیابان پناه بردند که در آنجا هم نیروهای یگان ویژه آنان را بازداشت کرده و سوار مینی‌بوس‌های خود کردند. همچنین گزارشاتی از تعرض به دختران دانشجوی در هنگام بازداشت نیز منتشر شده است. در این شب وحشتناک، حراست و نیروهای سرکوبگر از هیچ عمل شنیعی امتناع نکرده و به ساحت دانشگاه تعرض کردند. واقعه ۷ آبان داغ‌ننگی است بر پیشانی مسئولین دانشگاه و حراست که هیچ‌گاه زودده نخواهد شد. در پی این هتک حرمت گسترده، دانشجویان در کوی دانشگاه یکی از پرشمارترین تجمعات را شکل دادند. در این شب شعار «بی‌غیرتا نشستن، فنی‌هامون تو حبسن» سرداده شد. در نتیجه این تجمع، نیروهای امنیتی به سمت ساختمان‌های کوی چندین بار شلیک کردند. دانشجویان خوابگاه فاطمیه نیز شعارهایی را سردادند. گفتنی است در اعتراض به وقایع ۷ آبان، بیانیه‌ای از طرف اساتید فنی منتشر شد.

در ۸م و ۹م آبان نیز دانشجویان در دانشکدگان ابوریحان، کارآفرینی، هنرهای زیبا و دامپزشکی تجمع کردند. همچنین دانشجویان در دانشکده فیزیک و زبان‌ها با وجود فشار امنیتی شدید اقدام به رفع تفکیک جنسیتی سلف‌ها کردند. در این روز تعداد زیادی از دانشجویان رشته موسیقی و نمایش ممنوع‌الورود شده و تهدید شدند که در صورت تداوم اعتصابات، کلاس‌های آنها مجازی شده و دانشجویان خوابگاهی نیز از خوابگاه بیرون خواهند

شد. در ۱۰م آبان نیز در دانشکده دامپزشکی تجمعی شکل گرفت. با توجه به سرکوب گسترده صورت گرفته، بازداشت دانشجویان، افزایش نیروهای حراست و خشونت‌ورزی آنان، امکان شکل‌گیری تجمع در داخل دانشگاه از این تاریخ به بعد بسیار کم شد. لاجرم کنش‌های اعتراضی بیشتر به سمت تحصن، پرفورمنس و شعارنویسی سوق پیدا کرد.

در تاریخ ۱۵ و ۱۶ آبان در دانشگاه تجمعاتی شکل گرفته شد که به بدترین وجه ممکن توسط حراست سرکوب شد. از جمله سرکوب‌های صورت‌گرفته می‌توان به تهدید دانشجویان ممنوع‌الورود شده به لغو اسکان و تعیین ۲۱ آبان به عنوان ضرب‌الاجل برای تخلیه خوابگاه اشاره کرد. در تاریخ ۲۱ و ۲۲ آبان نیز در دانشکده علوم اجتماعی در اعتراض به بازداشت، تعلیق و ممنوع‌الورودی دانشجویان تجمعات اعتراضی شکل گرفتند. در دانشکده‌گان فنی نیز در تاریخ ۲۴ آبان تجمع گسترده‌ای از سمت دانشجویان شکل گرفت. در همین روز و در پردیس مرکزی نیز تحصن دانشجویان با سرکوب حراست به خشونت کشیده شد. یکی از دانشجویان در این روز توسط یکی از مدیران حراست با کلاه کاسکت مورد ضرب و شتم نیز قرار گرفت. همچنین بدلیل حضور گسترده نیروهای امنیتی و لباس شخصی در اطراف دانشگاه، چندان از دانشجویان تنها به جرم تردد در اطراف دانشگاهشان، مورد اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفته و آسیب دیدند. در ۲۵م آبان نیز در کوی دانشگاه تجمعی در اعتراض به بازداشت دانشجویان شکل گرفت. ۲۸م آبان نیز دانشگاه تهران صحنه اعتراضات و تجمعات مختلفی بود. از جمله تجمع پرشمار دانشجویان دانشکده مدیریت و همچنین تجمع شکل‌گرفته در پردیس هنرهای زیبا، دانشکده روانشناسی، زیست‌شناسی و ریاضی.

علی‌رغم سرکوب اعتراضات، در هفته‌های منتهی به روز دانشجو، بار دیگر آتش جنبش شعله‌ور شد. در ۵م آذرماه در دانشکده زبان‌ها دانشجویان بدون تفکیک جنسیتی در سلف حاضر شده و شعارهایی از قبیل «وعده وعید کافیه، دانشجو زندانی» سر داده شد. در هفته منتهی به ۱۶ آذر دانشجویان هر روز و در دانشکده‌های مختلف دانشگاه دست به تحصن زدند. همچنین بسیاری از دانشجویان کلاس‌های درسی را در هفته دانشجو تحریم کردند.

در روز دانشجو، درحالی که بسیاری از دانشجویان همچنان در بازداشت بسر می‌بردند، رئیس‌جمهور در دانشگاه حضور پیدا کرد. حراست در این روز بسیاری از دانشجویان را سرکوب کرد. در روز دانشجو، از ورود عده زیادی از دانشجویان به پردیس مرکزی دانشگاهشان ممانعت بعمل آمد. همچنین حراست و خیل عظیم نیروهای لباس شخصی و امنیتی، بارها با دانشجویان معترض درگیر شد و مانع از شکل‌گیری تجمع اعتراضی دانشجویان شد. در کمال تاسف، دانشجویان در روز دانشجو و در درون دانشگاه مورد ضرب و شتم نیروهای وحشی حراست قرار گرفتند. در این درگیری‌ها بسیاری از دانشجویان آسیب جدی دیدند و دو دانشجو نیز بازداشت شدند. علی‌رغم فشارهای گسترده، دانشجویان موفق شدند در پردیس هنرهای زیبا تجمعی اعتراضی شکل دهند. این تجمع با

مداخله حراست و ایجاد درگیری از طرف آنان به خشونت کشیده شد و پس از مدت کوتاهی دانشجویان بالاجبار متفرق شدند. با افزایش تعداد نیروهای حراست، خشونت‌ورزی بی‌اندازه آنان و خودمختاری تامشان، عملاً امکان شکل‌گیری تجمع به شیوه خودجوش به صفر رسید.

در ۱۸م دی‌ماه و در سالروز ترور مسافرین هواپیمای اوکراینی، دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا و علوم اجتماعی تجمعات مسالمت‌آمیزی برگزار کردند که با یورش حراست، چند درگیری در این بین رخ داد.

در تجمع‌های دانشجویی در طول قیام، باید بر اهمیت پردیس مرکزی دانشگاه تاکید کرد. پردیس مرکزی به مثابه قلب دانشگاه، همواره استراتژیک‌ترین مکان دانشگاه بوده‌است. در آغاز جنبش مهمترین تجمعات همگی در این پردیس شکل گرفتند اما با افزایش سرکوب حراست و بکاربردن شیوه‌های جدید سرکوب مانند چک کردن کارت دانشجویی در هنگام خروج یا ممانعت از ورود دانشجویانی که دانشکده‌هایشان در پردیس مرکزی قرار نداشتند، عملاً امکان شکل‌دهی تجمع بسیار کاهش یافت. حراست و نیروهای سرکوب نیز بخوبی از اهمیت پردیس مرکزی آگاهی داشتند و بیشترین تمرکز نیروهایشان را در این نقطه از دانشگاه قرار می‌دادند. بنابراین طبیعی بود که رفته‌رفته، شاهد شکل‌گیری تجمع‌ها در دیگر دانشکده‌ها و پردیس‌ها باشیم. در این جنبش اهمیت پردیس فنی و پردیس شمالی بخوبی عیان شد. تجمع‌های شکل‌گرفته در این دانشکدگان از شمار بیشتری برخوردار بودند و به نوعی خلا ناشی از سرکوب پردیس مرکزی را پر کردند.

در تحلیل تجمع‌های دانشگاه تهران باید به این نکته اساسی توجه کرد که چرا علی‌رغم اینکه دانشگاه تهران بزرگترین و پرجمعیت‌ترین دانشگاه کشور است و همچنین سابقه بسیار طولانی‌ای در فعالیت دانشجویی-سیاسی دارد، اما شمار دانشجویان حاضر در تجمعات حداکثر ۲۰۰۰ نفر گزارش شده‌است؟ یکی از مهمترین علل این امر، پراکندگی دانشکده‌های دانشگاه در سطح شهر است. این امر موجب می‌شود تا تجمع دانشجویان در مکانی واحد بسیار دشوار شود، و صد البته سرکوب آنها نیز ساده‌تر. بنابراین طبیعی است که پس از سرکوب پردیس مرکزی، شاهد شکل‌گیری تجمع‌های متعدد اما هر یک با شمار کمتری در دانشکده‌های مختلف دانشگاه بودیم. این امر در کنار خصلت بارز جنبش اخیر، یعنی خودجوش بودن آن، و نبود میانجی واقعی برای تجمیع و در نهایت تشکیل‌یابی و اتحاد نیروها، منجر شد تا کنش‌های دانشجویی توسط سیستم سرکوب تجزیه شده و تضعیف شوند. در نهایت هم این امر به ایده «تحصن» به مثابه شکلی از کنش کم‌هزینه منجر شد. تحصن‌هایی که اغلب از منطق «تحصن» مبنی بر پافشاری تا اعاده نتیجه مطلوب پیروی نمی‌کردند و باید به آنها به چشم نوعی واکنش در برابر سرکوب‌های سیستماتیک نگاه کرد.

تحصن

تجمع‌های گسترده در ادامه‌ی اعتراضات دانشجویی عمدتاً با خشونت بیشتری روبه‌رو شدند. بالا رفتن هزینه‌ی تجمع‌ها و همچنین افزایش نیروهای لباس شخصی و حراست در مراکز اصلی تجمع‌های دانشجویان دانشگاه، باعث شد تا دانشجویان به تحصن روی بیاورند. تحصن‌ها از یک سو می‌توانستند در چند نقطه همزمان شروع شوند و شکل‌گیری آن‌ها با تعداد کم‌تر ممکن بود. چرا که نیروهای لباس شخصی و حراست مجبور می‌شدند تقسیم و پراکنده شوند.

تحصن‌ها از همان ابتدای اعتراضات یعنی در شهریور و مهر جزئی از اشکال اعتراضی دانشجویان بود. اما معمولاً در تجمع‌های هفته‌ی اول و دوم مهرماه، تحصن در نهایت منتهی به تجمع‌های گسترده در پردیس مرکزی، دانشکدگان فنی امیرآباد و پردیس شمالی می‌شد. آغاز تجمع‌های دانشجویان در ۲۷ شهریور نیز ابتدا با تحصن در پردیس هنرهای زیبا شروع شد و در نهایت به تجمع انجامید. همچنین بدین ترتیب شاید کشیدن خط مشخصی میان تحصن و تجمع در این دو هفته کار درستی نباشد. چرا که وجود توأمان این دو شکل اعتراضی در این دو هفته، نقش مهمی در شکل‌گیری اعتراضات دانشجویی داشته است.

پس از بازداشت گسترده‌ی دانشجویان در تاریخ ۳۰ و ۳۱ شهریور، در بیانیه‌های متعددی که با محوریت تحریم کلاس‌های دانشگاه در روزهای ابتدایی مهرماه منتشر شده بود، دعوت به تحصن مقابل دانشکده‌ها نیز به چشم می‌آمد. اولین تحصن گسترده در روز ۹ مهرماه در دانشکدگان فنی امیرآباد، روبه‌روی دانشکده‌ی فنی واقع در پردیس مرکزی، دانشکده‌ی دامپزشکی و پردیس کشاورزی و منابع طبیعی به وقوع پیوست. این شکل از تحصن‌ها در روزهایی که فراخوان تجمع‌های گسترده منتشر می‌شد، ادامه می‌یافت. همانطور که پیش‌تر هم گفتیم این تحصن‌ها غالباً به یکدیگر می‌پیوستند و به تجمع منتهی می‌شدند.

اما برخی از تحصن‌هایی که در همین دوره برگزار شدند، از این قاعده پیروی نمی‌کردند. نظیر تحصن روز ۱۱ مهر در دانشکده‌ی زبان‌ها و ادبیات خارجی و تحصن‌های دانشجویان دانشکده‌ی علوم در ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ مهرماه و دانشکده‌ی فیزیک در ۲۶ مهرماه. دانشجویان دانشکده‌ی مهندسی صنایع نیز در اعتراض به بازداشت یکی از دانشجویان این دانشکده روز ۲۴ مهر در داخل این دانشکده تحصن کردند. همچنین ۳۰ مهرماه دانشجویان دانشکده‌ی روانشناسی داخل این دانشکده تحصن کردند. در یکم آبان‌ماه، دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی در پی حضور رئیس دانشگاه، در سالن ابن‌خلدون دانشکده، تحصن کردند که در نهایت به تجمع انجامید. همچنین دانشجویان دانشکده‌ی ریاضی نیز تحصن‌های خود را از سر گرفتند. در ۲ آبان، دانشجویان دانشکده‌ی زبان‌ها و ادبیات خارجی، روانشناسی، و در ۴ آبان دانشکده‌ی زبان‌ها و تربیت‌بدنی نیز دانشجویان تحصن کردند. خواسته‌های این جنس تحصن‌ها، اکثراً یا آزادی دانشجویان بازداشتی و یا در اعتراض به سرکوب‌های صورت گرفته بر علیه

دانشجویان بود. همچنین آنها عمدتاً خواهان پایان یافتن سرکوب، خروج نیروهای لباس شخصی و برکناری عواملی از حراست و دانشگاه بودند که در سرکوب‌ها دست داشتند. خواسته‌ی اخراج نیروهای لباس شخصی تا اواسط مهرماه پررنگ نبود. پس از تشدید سرکوب‌ها و به ویژه پس از وقایع ۷ آبان، این خواسته در اکثر تحصن‌های دانشجویی مطرح شد.

پس از وقایع ۷ آبان که سرکوب شدیدی بر دانشجویان وارد شد، تحصن‌ها به شکل غالب اعتراضات دانشجویی بدل شدند. در ۱۰م آبان، تحصن دانشجویان دانشکده روانشناسی در اعتراض به بازداشت یکی از دانشجویان دانشکده برگزار شد. همچنین در این روز دانشجویان دانشکده‌ی زیست مقابل سلف دانشکده برای مقابله با تفکیک جنسیتی تحصن کردند. ۱۱ آبان نیز دانشجویان دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران تحصن کردند.

پس از ممنوع‌الورودی گسترده‌ی دانشجویان در اواسط آبان، تحصن‌های دانشجویی دوباره پررنگ شدند. یکی از مهم‌ترین تحصن‌های این بازه، تحصن دانشجویان پردیس فنی امیرآباد و به ویژه دانشجویان دانشکده‌ی مکانیک در ۱۴ آبان است. این تحصن گسترده در اعتراض به بازداشت چند تن از دانشجویان این دانشکده و ممنوع‌الورودی بسیاری از آن‌ها برگزار شد. ۱۵ آبان نیز تحصن گسترده‌ای در دانشکده‌ی علوم اجتماعی با چنین خواسته‌هایی برگزار شد. در ۱۶ آبان دانشجویان پردیس هنرهای زیبا نیز به این سلسله تحصن‌ها پیوستند. در همین روز دانشجویان دانشکده‌ی روانشناسی در اعتراض به تفکیک سلف‌ها در حیاط دانشکده تحصن کردند. ۱۸ آبان دانشجویان پردیس هنرهای زیبا در اعتراض به کشتار مردم بلوچ و سرکوب دانشجویان دوباره تحصن کردند. ۲۱ آبان تحصن دانشجویان دانشکده روانشناسی و همچنین تحصن گسترده‌ی دانشجویان دانشکده مکانیک را شاهد هستیم. در همین روز دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی در داخل دانشکده تحصن کردند و سرود «به نام دختران سرزمین آفتاب» را همخوانی کردند. در دانشکده‌ی اقتصاد نیز چنین تحصنی را شاهد بودیم. ۲۲ آبان دانشجویان دانشکده فنی پردیس مرکزی در اعتراض به تداوم بازداشت یکی از دانشجویان دانشکده‌ی مهندسی شیمی، در داخل دانشکده تحصن کردند. همچنین دانشجویان دانشکده ریاضی نیز در اعتراض به تعلیق دانشجویان و ممنوع‌الورودی آن‌ها تحصن کردند و سرود «زن» و «یار دبستانی» را همخوانی کردند. ۲۳ آبان دانشجویان دانشکده‌ی معدن در اعتراض به تداوم بازداشت چند تن از دانشجویان این دانشکده تحصن کردند. در همین روز دانشجویان پردیس هنرهای زیبا به تحصن پیوستند. ۲۴ آبان دانشجویان دانشکده‌ی مدیریت کنار حوض این دانشکده که در حرکتی نمادین خونین شده بود، تحصن کردند. در همین روز تحصن دانشجویان دانشکده‌ی فنی در پردیس مرکزی به خشونت کشیده شد و تجمعی اعتراضی از دل آن بیرون آمد. دانشجویان دانشکده روانشناسی نیز در این روز در داخل دانشکده تحصن کردند و شعار سر دادند و همچنین تحصنی نیز در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، در اعتراض به بازداشت یکی از دانشجویان دانشکده شکل گرفت. ۲۸ آبان دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی در اعتراض به بازداشت و سرکوب فراگیر دانشگاه تحصن کردند. همچنین دانشجویان دانشکده‌ی

مکانیک نیز در اعتراض به تداوم بازداشت یکی از دانشجویان این دانشکده تحصن کردند. دانشجویان دانشکده روانشناسی نیز در این روز تحصن کردند. ۱ آذر دانشجویان دانشکده‌ی زبان‌ها و ادبیات خارجی تحصن سکوت کردند.

در روزهای منتهی به هفته دانشجو، شکل‌گیری تحصن‌ها افزایش یافتند. ۵ آذر دانشجویان دانشکده‌ی مهندسی مواد و متالوژی در اعتراض به تداوم بازداشت دانشجویان تحصن کردند. ۶ آذر دانشجویان رشته‌ی فلسفه در اعتراض به اخراج یکی از اساتید این دانشکده تحصن کردند. ۷ آذر دانشجویان دانشکده مکانیک و روانشناسی تحصن‌های خود را ادامه دادند. ۹ آذر دانشجویان پردیس هنرهای زیبا در اعتراض به بازداشت دو تن از اساتید خود تحصن کردند. ۱۲ آذر دانشجویان علوم اجتماعی در اعتراض به سرکوب و امنیتی‌شدن دانشگاه تحصن کردند و در ۱۹م آذر در اعتراض به بازداشت یکی از دانشجویان این دانشکده در روز دانشجو تحصن ادامه پیدا کرد. در ۲۱ آذر دانشجویان دانشکده موسیقی در حین تحصن سرود اعتراضی خواندند.

در نیم‌سال دوم نیز با توجه به افزایش هزینه تجمع، دانشجویان بیشتر از روش تحصن برای اعتراض استفاده کردند. در ۲۱ دی‌ماه دانشجویان هنرهای زیبا در اعتراض به قطع حقوق یکی از اساتید تحصن کردند و در ۴ بهمن ماه نیز اولین تحصن در اعتراض به احکام ناعادلانه کمیته انضباطی توسط دانشجویان این دانشکده رقم خورد. پس از این، بیشتر تحصن‌ها در پی اعتراض به احکام کمیته شکل می‌گرفت که از جمله آن تحصن دانشجویان دانشکده روان‌شناسی در ۲۷م فروردین و تجمع دانشجویان علوم اجتماعی در همین روز با این هدف شکل گرفتند. در ۳۰م اردیبهشت نیز دانشجویان از دانشکده‌های مختلف در باشگاه دانشجویان رو به روی دفتر معاون دانشجویی، علیرضا وجهی، در اعتراض به کمیته انضباطی پیرامون حجاب و اعتراضات و «کمیته‌ی اخلاق» دانشکده علوم اجتماعی تحصن کردند. کمیته‌ی اخلاق، شورای درون دانشکده علوم اجتماعی بود که توسط رئیس این دانشکده مدیریت می‌شد و عملاً موجودیتی قانونی نداشت. در این کمیته نزدیک به ۱۰۰ دانشجو احضار شده و اسامی برخی از آنان نیز به کمیته انضباطی معرفی شدند. در یکم خرداد نیز دانشجویان روان‌شناسی در اعتراض به حکم کمیته یکی از دانشجویان این دانشکده دست به تحصن زدند که با برخورد و محاصره توسط حراست مواجه شدند.

اعتصابات

تجمع و تحصن تنها روش‌هایی نبودند که دانشجویان برای اعتراض از آن استفاده کردند. تحریم سراسری کلاس‌ها و اعتصاب که از ابتدای مهر در بیش از ۱۰۰ دانشگاه کشور آغاز شد، در دانشگاه تهران نیز کلید خورد تا فعالیت آموزشی در شرایط بحرانی به تعطیلی کشیده شود. مدت این اعتصابات متفاوت و تا حدی وابسته به شرایط هر

دانشکده بود، اما تقریباً همه پردیس‌ها و دانشکده‌های دانشگاه تهران حداقل ۴ هفته از مهرماه را بطور کامل در اعتصاب به سر بردند. این اعتصابات پس از تهدید و ارباب، رفته رفته شکسته شدند اما در برخی دانشکده‌ها تا آذرماه نیز تداوم داشتند. در دانشکده هنرهای زیبا، فنی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی و روانشناسی این اعتصابات گسترده‌تر و مداوم‌تر دنبال شدند. نکته مهم در خصوص اعتصابات اینست که برخلاف تصور، این شکل از کنش جمعی دانشجویان، برای سیستم سرکوب بسیار هزینه‌زا بود. در طول جنبش بارها و بارها به مسئله شکستن اعتصابات و بازگشت دانشجویان به سر کلاس‌هایشان اشاره شد. دانشگاه تلاش فراوانی برای بازگرداندن دانشجویان به سر کلاس‌ها صورت داد. آنچنانکه دانشگاه طی بخشنامه‌ای، روسای دانشکده‌ها را موظف به برگزاری کلاس‌های آموزشی با حتی یک دانشجو کرد. در نهایت باید اذعان کرد که این شکل از کنش اعتراضی، نیاز به همبستگی و اتحاد بسیاری در میان دانشجویان دارد و عملی شدن آن کار بسیار دشواری است.

هنر اعتراضی

دیوان‌نویسی، شعارنویسی و پرفورمنس‌های هنری اعتراضی نیز بخش بزرگی از تاکتیک‌های استفاده شده توسط دانشجویان در جنبش زن زندگی آزادی بودند. شعارهای جنبش نه فقط در تجمعات فریاد زده می‌شد بلکه بر دیوار دانشکده‌ها نیز نقش می‌بست. این نوع از کنش‌های اعتراضی بدلیل خصلت ویژه‌شان، کنشی فردی‌تر و مخفیانه‌تر، بیش از دیگر کنش‌ها تداوم داشتند. دانشکده هنرهای زیبا در پیشبرد این نوع از کنش نقش پررنگی را ایفا کرد. اما تقریباً این نوع کنش در همه دانشکده‌های دانشگاه و خوابگاه‌ها انجام گرفت و موجب تداوم جو اعتراضی تا ماه‌های بهمن و اسفند نیز شد.

همخوانی

همخوانی سرودهای انقلابی نشأت گرفته از جنبش نیز دیگر شکل اعتراضی بود که توسط دانشجویان دانشگاه تهران انجام می‌شد. این سرودها اغلب در تحصن‌های دانشجویی همخوانی می‌شدند. از جمله سرودهای همخوانی شده می‌توان به سرود «برای»، «از خون جوانان وطن»، «سرود زن»، «به نام دختران سرزمین آفتاب»، «یار دبستانی»، «فریاد جاودان ما»، «سرود زندگی» و «همراه شو عزیز» اشاره کرد.

بیانیه‌ها

بیانیه‌ها به عنوان یکی از پرتکرارترین ابزارهای اعلام همبستگی توانست ارتباط میان دانشکده‌ها و پردیس‌های دانشگاه تهران را بهبود بخشد. اغلب بیانیه‌ها با عنوان «جمعی از دانشجویان...» در کانال تهران-دانشجو و شورای صنفی کشور منتشر می‌شد. همچنین فراخوان‌ها نیز در کانال تهران-دانشجو منتشر می‌شدند. در بازه‌ای از قیام که دانشگاه بسیار سرکوب شده بود، شاهد تعدد بیانیه‌ها و فراخوان‌هایی بودیم که بدون پشتوانه عملی منتشر می‌شدند و پس از مدتی اعتبار خود را از دست دادند. حتی در مواردی در یک شب، چند بیانیه با عنوان «جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران» منتشر می‌شد که بعضاً خواسته‌های کاملاً متفاوتی داشتند اما همگی دانشجویان را به تجمع و تحصن فرامی‌خواندند. این نشان از خصلت بارز جنبش دانشجویی اخیر دارد؛ خودجوشی.

از بارزترین بیانیه‌ها می‌توان به بیانیه‌های منتشر شده در جهت اعتصاب سراسری کلاس‌ها اشاره کرد که از سوی دانشجویان بیشتر رشته‌ها و دانشکده‌های دانشگاه تهران صادر شد. برخی اساتید نیز در برابر ظلم و ستم صورت گرفته در دانشگاه و کشور سکوت نکرده و بیانیه‌هایی منتشر کردند، که از جمله آن‌ها می‌توان بیانیه اساتید پردیس فنی را نام برد که پس از حمله وحشیانه نیروهای امنیتی در ۷ آبان ۱۴۰۱ به پردیس فنی دانشگاه تهران صادر شد و در آن اساتید خواستار آزادی بی‌قید و شرط دانشجویان بازداشتی و لغو ممنوع‌الورودی دیگر دانشجویان شدند.

حراست؛ در طول قیام و پس از آن

بررسی انواع سرکوبی که بر اعتراضات دانشجویی سال ۱۴۰۱ اعمال شد، نیازمند شناخت نهادهای سرکوب‌کننده است. علاوه بر نهادهای امنیتی‌ای که خارج از دانشگاه هستند و به سرکوب دانشجویان می‌پرداختند، باید بر نقش کلیدی حراست در این سرکوب‌ها تاکید کرد. حراست دانشگاه تهران یک واحد مستقل به حساب می‌آید که مستقیماً تحت نظارت ریاست دانشگاه فعالیت می‌کند. این نهاد همچنین نقشی کلیدی به عنوان رابط نهادهای امنیتی خارج دانشگاه و مداخلات آنان در سطح دانشگاه ایفا کرده‌است. در این فصل، به سرکوب‌های صورت گرفته توسط این نهاد امنیتی در طول قیام و پس از آن می‌پردازیم.

حراست و سرکوب اعتراضات دانشجویی

۲۷ شهریور ۱۴۰۱، دانشجویان دانشگاه تهران اولین تجمع اعتراضی خود را که سرآغاز سلسله‌ای از کنش‌های دانشجویی چند ماهه بود، برگزار کردند. این تجمعات پی‌درپی، تا روزهای ابتدایی مهرماه نیز ادامه پیدا کرد. با تداوم اعتراضات واکنش خشونت‌آمیز حراست افزایش یافت. روز ۳۰ شهریور حدود سی نفر از دانشجویان دانشگاه تهران در محدوده‌ی اطراف پردیس مرکزی، خوابگاه‌ها و مترو بازداشت شدند. تعدادی از آن‌ها نیز توسط نیروهای لباس شخصی و حراست حین خروج از پردیس مرکزی متوقف شده و پس از چند ساعت در حالیکه در اتاقک حراست نزدیک در ۱۶ اذر محبوس بودند، به نهادهای امنیتی تحویل داده شدند. یکی از این دانشجویان بازداشتی نهایتاً به زندان منتقل شد. فردای آن روز، ۳۱ شهریور نیز، نیروهای امنیتی به منزل چند تن از دانشجویان یورش بردند و آن‌ها را بازداشت کردند. بنظر می‌رسد که این بازداشت‌ها با استناد به گزارشات حراست دانشگاه به نهادهای امنیتی صورت گرفته‌اند.

دوم مهر ماه پس از پایان تجمعات آن، نیروهای حراست و لباس شخصی مانع خروج دانشجویان از دانشگاه شدند. حدود ۴۰ نفر از دانشجویان با همکاری حراست به ون‌هایی منتقل شده و پس از ضرب و شتم آن‌ها، به مکانی نامعلوم برده شدند. همچنین در مهر ۱۴۰۱ سختگیری‌هایی بر عبور و مرور دانشجویان اعمال شد، به گونه‌ای که حتی با وجود کارت دانشجویی نیز ورود به دانشگاه آسان نبود. از تاریخ ۹ مهر تجمعات دانشجویی علاوه بر خشونت

فیزیکی و ضرب و شتم با شلیک گلوله‌های پلاستیکی و پینت‌بال توسط نیروهای یگان ویژه‌ی مستقر در اطراف دانشگاه همراه شد. طبق گزارشات دانشجویان، در ۱۱ مهرماه به منظور شناسایی دانشجویان معترضی که در حمایت از دانشجویان دانشگاه شریف تجمع کرده بودند، از آن‌ها فیلم‌برداری شد. تا تاریخ ۱۲ مهر حدود ۲۰۰ نفر در دانشگاه بازداشت شده بودند که اکثریت این دستگیری‌ها یک روزه و یا چند ساعته بود که به آزادی منتهی شده بود. هرچند موارد دیگری هم بودند که بازداشت‌های طولانی‌مدت و انتقال به زندان‌ها را در پی داشت.

حراست در مواجهه با اعتصابات دانشجویی و بیانیه‌های متعدد، دانشجویان را مورد تهدید قرار می‌داد. یکی از جلوه‌های عریان سرکوب در دانشگاه تهران در روزهای ۲۰، ۲۳ و ۲۵ مهرماه رخ داد. روز ۲۰ مهرماه تعدادی از دانشجویان را تک به تک به اتاقک حراست در نزدیکی درب ۱۶ آذر بردند و ۷ نفر از نیروهای حراست و لباس شخصی آن‌ها را ضرب و شتم کردند. در تاریخ ۲۳ مهر، حراست بیست نفر از دانشجویان پردیس مرکزی را با خشونت به ساختمان انتظامات برد و با شوکر و مشت و لگد به آن‌ها حمله کردند. روز ۲۵ مهرماه عده‌ای از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی در اتاقک حراست محبوس شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در این واقعه عینک یکی از دانشجویان شکسته شد و به سر یکی از آنان ضرباتی وارد می‌کنند.

ضرب و شتم، حمله به دانشجویان با گلوله‌های ساچمه‌ای و پینت‌بال، استفاده از شوکر و باتوم توسط حراست و ضبط کارت دانشجویی چهره‌ی غالب سرکوب حراست در اکثر تجمع‌های مهر تا آبان دانشگاه به شمار می‌آید.

پس از آن که در آبان ماه ۱۴۰۱، شکل جدیدی از کنش اعتراضی علاوه بر تجمع در میان دانشجویان رواج یافت، از جمله مختلط کردن سلف‌ها، حراست نیز دوباره برای سرکوب وارد میدان شد. گزارش‌های بسیاری حاکی از جلوگیری ورود دانشجویان به صورت مختلط به سلف‌های دانشکده‌ها است. در مواردی نیز این سرکوب‌ها به درگیری فیزیکی منجر شد.

اوج سرکوب دانشجویان دانشگاه تهران را می‌توان در وقایع ۷ آبان مشاهده کرد. در این روز تجمع‌های گسترده‌ای در پردیس‌های فنی امیرآباد و شمالی دانشگاه شکل گرفت. از همان ابتدا تعداد زیادی از نیروهای یگان ویژه و لباس شخصی در اطراف این پردیس‌ها مستقر شده بودند و عملاً این پردیس‌ها را محاصره کرده بودند. در یک مورد حراست پردیس فنی درب این دانشکده را برای نیروهای یگان ویژه باز کرده بود که مقاومت دانشجویان مانع از ورود آن‌ها شد. اما پس از چند ساعت و هنگام تاریکی هوا نیروهای امنیتی و لباس شخصی وارد هر دو پردیس شدند. در پردیس امیرآباد سرکوب حتی شدیدتر شد. هنگامی که دانشجویان قصد خروج داشتند، بسیاری از آن‌ها مقابل چشمان حراست و باهمکاری آن‌ها توسط نیروهای یگان ویژه ضرب و شتم می‌شدند و به درون ون‌هایی انداخته می‌شدند. پس از ورود نیروهای لباس شخصی به پردیس فنی، گزارشاتی از بازداشت وحشیانه‌ی تعدادی از دانشجویان منتشر شد. در یک مورد دانشجویی را روی زمین کشانده و به سمت ون‌ها برده بودند. همچنین به

آزمایشگاه‌هایی که دانشجویان در آن‌ها پناه گرفته بودند یورش برده شد و با شکستن درب‌ها دانشجویان را بازداشت کردند. شرح مفصل وقایع این روز در بیانیه‌ی اساتید فنی و گزارشات متعدد دانشجویان آمده است.

در روز ۱۵ آبان حراست شیوه‌ی جدیدی از سرکوب را بکار برد؛ ممنوع‌الورودی تعداد کثیری از دانشجویان. پس از این ممنوع‌الورودی، لغو اسکان دانشجویان خوابگاهی ممنوع‌الورودی هم به فهرست بلندبالای شیوه‌های سرکوب دانشگاه و حراست اضافه شد.

سرکوب حراست در روز دانشجو نیز یکی دیگر از لحظات عریانی آن است. حراست در این روز درگیری‌های متعددی با دانشجویان داشت. در این درگیری‌ها، بینی یکی از دانشجویان شکسته شد. همچنین یکی از دانشجویان نیز به نیروهای امنیتی تحویل داده شد.

نقش حراست پس از سرکوب گسترده اعتراضات

با آغاز نیم‌سال دوم، با وجود کم‌رنگ شدن اعتراضات میدانی دانشجویان دانشگاه تهران نسبت به ماه‌های پیش، سرکوب حراست همچنان ادامه داشت. کادر حراست پردیس مرکزی و پردیس‌های شمالی دو بار تغییر کردند. در بسیاری از دانشکده‌ها، برخی از اعضای کادر حراست نه تنها نشان شناسایی نداشتند، که حتی بدون لباس فرم و با لباس‌های شخصی در محوطه‌ی دانشکده‌ها تردد می‌کردند و به دانشجویان تذکر می‌دادند. معمولاً در روزهایی که دانشجویان تحصن و یا تجمع می‌کردند، توسط حراست محاصره می‌شدند و آن‌ها اقدام به ثبت عکس و فیلم از دانشجویان می‌کردند.

۱۸ دی ماه حراست دانشگاه تهران در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران به مراسم یادبودی که دانشجویان برای کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی برپا کرده بودند، حمله کرد و تابلوی یادبود قربانیان را شکست. در ۲۰ دی‌ماه پس از برگزاری شورای عمومی در لابی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، چندتن از نیروهای حراست دانشکده که با لباس شخصی و بدون لباس فرم حراست حاضر شده بودند، یکی از دانشجویان منتقد در شورای عمومی را در اتاقک آسانسور محبوس کردند که با دخالت دانشجویان و در حضور مسئولین دانشکده، مجبور به آزاد کردن این دانشجو شدند.

۳۰ بهمن‌ماه، حراست دانشگاه در کنار درهای ورودی پردیس مرکزی مانع ورود دانشجویان دختری می‌شدند که حجاب اجباری تن نداده بودند و شروع به فحاشی کردند. هنگامی که دانشجویان و رهگذران به این توهین‌ها اعتراض کردند، چندین مامور حراست از دانشگاه خارج شدند و این افراد را ضرب و شتم کردند.

۱۰ اسفندماه، دانشجویان دانشگاه تهران با گشت‌زنی حراست در پردیس مرکزی و تذکرات حجاب مواجه شدند. پس از مقاومت دانشجویان نسبت به این توهین‌ها، حراست با درگیری لفظی و تهدید سعی در سرکوب دانشجویان داشت.

وجه غالب سرکوب این دوره، تذکر به پوشش دانشجویان، یادداشت اسامی افرادی که به حجاب اجباری تن نداده بودند و از همه مهم‌تر کمیته‌های انضباطی بود. از نیمه‌ی اسفندماه کمیته‌های انضباطی با محوریت حجاب و سرکوب دانشجویانی که در تجمعات شرکت کرده بودند، آغاز شدند. این کمیته‌ها همچنان در زمانی که این سطور نوشته می‌شوند ادامه دارند. در برخی از کمیته‌ها، شرایط قانونی و رسمی آیین‌نامه‌ی انضباطی رعایت نشدند و در مواردی به اجبار از آن‌ها تعهدهایی مبتنی بر پوشیدن مانتو و مقتعه اخذ شد.

در تاریخ ۲۹ فروردین حراست اقدام به نرده‌کشی، نصب گیت و دوربین داخل اتاقک‌های حراست ورودی‌های پردیس مرکزی دانشگاه تهران کرد.

۲۲ فروردین درگیری شدیدی میان کسانی که خود را حراست معرفی می‌کردند با دانشجویان به دلیل پوشش در دانشکده فیزیک به وقوع پیوست. گفتنی است این افراد که خود را حراست معرفی کرده بودند، هیچگونه نشان شناسایی نداشتند و در پاسخ به اعتراض دانشجویان مبنی بر نشان دادن کارت شناسایی خود، دانشجویان را تهدید کردند.

۴ اردیبهشت، در پی مقاومت دانشجویان در برابر تذکر حجاب و اقدام به ضبط کارت و تفتیش کیف یکی از دانشجویان پردیس هنرهای زیبا، حراست دانشگاه اقدام به ضرب و شتم و حبس دو دانشجو برای ساعاتی در اتاقک حراست کرد. با تجمع دانشجویان در برابر اتاقک حراست و مقاومت جمعی آنان، این دو دانشجو ساعاتی بعد آزاد شدند.

۵ اردیبهشت، در جلسه‌ی امتحان میان‌ترم زبان عمومی در پردیس هنرهای زیبا، کارمند آموزش کارت دانشجویی دختری را از روی میز می‌رباید و به خاطر نداشتن حجاب به این دانشجو توهین می‌کند. دانشجویان حاضر در جلسه در اعتراض به برهم زدن نظم جلسه‌ی امتحانی و دادن تذکر حجاب توسط یک کارمند آموزش، معترض شدند و جلسه‌ی امتحانی را ترک کردند.

۲۳ اردیبهشت، توهین حراست به دانشجویان پردیس هنرهای زیبا به بهانه‌ی پوشش منجر به درگیری بین حراست و دانشجویان شد. بنابر گزارش‌های دانشجویان، در ادامه‌ی فشار و تهدیدهای حراست، دانشجویی که برای در امان بودن از حمله‌ی حراست به یکی از کلاس‌های این دانشکده پناه برده بود، توسط حراست تعقیب و در کلاس محبوس شد. ممانعت حراست از ورود بقیه دانشجویان به کلاس و شکستن ساز دانشجویان منجر به درگیری

فیزیکی با دانشجویان و سر دادن شعارهای اعتراضی شد. همچنین بر اساس این گزارش‌ها، حراست گلوی یکی از دانشجویان را برای جلوگیری از ورود وی به ساختمان فشار داده و به این دانشجو آسیب رسانده است.

۲۴ اردیبهشت، حراست دانشجویان پردیس هنرهای زیبا به علت وقایع روز قبل را احضار کرد. بر اساس گزارش‌های دانشجویان، پس از حمله‌ی حراست و درگیری با دانشجویان در محوطه‌ی پردیس هنرهای زیبا و درون کلاس‌های این پردیس، طی تماس‌های مکرر حراست، از برخی دانشجویان خواسته شد تا در ساختمان فولاد حضور یابند. در پاسخ به پرسش دانشجویان مبنی بر چرایی این احضار، هیچ توضیحی داده نشد.

همچنین در این دوره، حراست خوابگاه‌های دختران در موارد زیادی، به ویژه در خوابگاه دخترانه‌ی چمران به دانشجویان توهین کرده و وارد مشاجره کلامی می‌شدند. این مشاجره‌ها در برخی موارد منجر به درگیری‌های لفظی و یا کمیته‌ای شدن دانشجو به بهانه توهین به حراست می‌شد. همچنین اخباری نیز از لغو اسکان برخی از دختران به علت عدم رعایت حجاب منتشر می‌شد. به تازگی نیز گزارشی از ضرب و شتم یک دانشجو در ساختمان حراست منتشر شده است. در تاریخ ۱۱ تیر ماه، یکی از دانشجویان بصورت تلفنی به ساختمان حراست احضار شده و در آنجا توسط مدیران کل حراست دانشگاه تهران و بهشتی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد.

همه اینها تنها بخشی از سرکوب‌های صورت گرفته توسط حراست است. نقش این نهاد امنیتی در سرکوب دانشجویان بسیار فراتر از اینها بوده است. گزارشات متعددی از ارتباط مستقیم حراست با بازپرسان و مامورین اطلاعاتی خارج از دانشگاه وجود دارد. همچنین این نهاد امنیتی تنها به سرکوب دانشجویان اکتفا نکرده و در سرکوب اساتید نیز نقش مهمی را ایفا کرده است. در بسیاری از موارد، اساتید دانشگاه با شکایت شخص رئیس حراست توبیخ می‌شدند و حقوقشان قطع می‌شد. بنظر می‌رسد اختیار عمل حراست پس از قیام ژینا افزایش یافته باشد.

کمیته انضباطی

در دانشگاه تهران به جز سرکوب از طریق نهاد های امنیتی، از کمیته انضباطی نیز جهت محروم کردن دانشجویان از حقوق خود استفاده شد. اولین گام در پروژه سرکوب از طریق کمیته انضباطی، تصویب شیوه نامه انضباطی جدید توسط وزارتین علوم و بهداشت در آبان ۱۴۰۱ بود. این شیوه نامه در نسبت با شیوه نامه های قبلی، دانشجو را درگیر مجازات های شدیدتر و عناوین اتهامی گسترده تری می کرد و همچنین دست دانشگاه را در سرکوب دانشجویان بازتر می گذاشت. پس از ابلاغ این شیوه نامه بیانیه ها، نقدها و نامه های مختلفی در اعتراض به آن منتشر شدند که می توانید نمونه های آن را در کانال شورا های صنفی دانشجویان کشور ببینید.

اعضای کمیته انضباطی دانشگاه تهران بعد از تغییر شیوه نامه، به درخواست نهاد های امنیتی تغییر کرده و اعضای جدیدی منصوب شدند. این تغییر موجب معلق شدن آرای شد که اعضای کمیته قبلی که رویکردی نسبتاً قانونی داشتند، صادر کرده بودند. این امر باعث طولانی شدن روند کمیته شد و بسیاری از دانشجویان را در بلاتکلیفی نسبت به نتیجه کمیته هایشان قرار داد.

تخمین زده می شود که در سال گذشته دست کم ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه به کمیته احضار شده باشند. در بین این ۱۰۰۰ نفر دست کم ۱۰۰ تن از دانشجویان با احکام سنگینی مانند تعلیق از امکانات رفاهی و تحصیل روبرو شدند که روند برگزاری و شیوه صدور این آراء، دارای اشکالات قانونی فراوانی است که به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت. به موازات احضار، بسیاری از دانشجویان ممنوع الورد شده و امکانات رفاهی از آنان سلب گردید. لازم بذکر است که تمامی دانشجویان ممنوع الورد شده در دوره اعتراضات، بدون برگزاری جلسه کمیته و حکم انضباطی و بصورتی کاملاً غیرقانونی از حضور در دانشگاه محروم شده بودند. همچنین اغلب دانشجویان معترض در طول جنبش با اتهام «ایجاد و شرکت در بلوا و آشوب» با احکام سنگینی چون «محرومیت از تحصیل» به مدت یک الی چهار ترم، با یا بدون احتساب سنوات محکوم شدند. در مواردی نیز احکام سنگین تری چون اخراج از دانشگاه نیز به کمیته مرکزی وزارتین پیشنهاد شد. بسیاری از دانشجویان فعال در جنبش ژینا به ساختمان امام سجاد احضار شدند، مورد بازجویی های طولانی قرار گرفتند و بعضاً وادار به نوشتن اسامی دیگر دانشجویان شدند. بازجوهای حراست آنها را تهدید به اخراج از دانشگاه و در مواردی بازداشت توسط نیروهای امنیتی نیز کردند.

در بین احکام صادره، احکامی مانند «تذکر یا توبیخ کتبی در پرونده» دیده می شود که کمیته انضباطی دانشگاه اغلب بدون داشتن مدرک و ادله کافی و صرفاً بر اساس گفته های نهادهای خارج از دانشگاه چنین آرای را صادر کرده اند تا دانشجو بتواند در دفعات بعدی، مشمول «تکرار تخلف» شده و مجازات وی تشدید شود.

احضار به اتهام عدم رعایت ضوابط پوشش

پس از سرکوب اعتراضات، دانشگاه‌ها در پروژه‌ای جدید اقدام به تصویب آیین‌نامه‌ها و ابلاغ بخشنامه‌هایی جهت اجبار دانشجویان به رعایت حجاب در دانشگاه‌ها کردند. بسیاری از دانشجویان دانشگاه تهران در نتیجه اجرایی شدن این پروژه به کمیته انضباطی و حراست احضار شدند. در دانشگاه تهران و در چند ماه اخیر، دست کم ۳۰۰ دانشجو به اتهام «عدم رعایت پوشش اسلامی و ضوابط وزارتین» به کمیته انضباطی یا حراست دانشگاه احضار شده و مورد تهدید و ارباب قرار گرفته‌اند. همچنین تخمین زده می‌شود که برای ۵۰ دانشجو با اتهام عدم رعایت قوانین پوشش، در پرونده انضباطی تشکیل شده است. از احکام صادره می‌توان به محرومیت از امکانات رفاهی مانند لغو اسکان از خوابگاه و همچنین تا دو ترم محرومیت از تحصیل معلق و یا اجرایی نام برد.

بسیاری از احضاریه‌ها و تشکیل پرونده‌ها بدون ارایه مدرک و مستندات کافی بوده و وقتی دانشجو درخواست مدرکی برای اثبات اتهام می‌کرد به اینکه گزارش به دست ما رسیده‌است، بسنده می‌کردند. همچنین دانشجو وادار به نوشتن دفاعیه و تعهد مبنی بر رعایت حجاب اسلامی می‌شد.

مسئولین دانشگاه از تعطیلی دانشگاه در ایام تابستان نیز حداکثر استفاده را برده و در هفته‌های گذشته با ارسال پیامک و تهدید به محرومیت از امکانات تحصیلی و رفاهی، بیش از پنجاه دانشجوی دختر را به علت عدم رعایت پوشش احضار کرده و در تماس‌های تلفنی علت این احضار را شکایت اولیای دانشکده عنوان کرده‌اند. این در صورتی است که بسیاری از این دانشجویان در تهران اقامت ندارند. لازم بذکر است که بسیاری از این احضارهای فله‌ای حراست و کمیته به بهانه پوشش، کاملاً سلیقه‌ای و فاقد هیچگونه منطق و صرفاً براساس برداشت‌های شخصی بوده است. گفتنی است این دانشجویان پس از ابلاغ حکم خود از ورود به خوابگاه منع شدند. سرکوب و خفقان نه تنها در محیط دانشگاه بلکه در خوابگاه هم ادامه داشت. تعدادی از دانشجویانی که در خوابگاه دخترانه چمران سکونت دارند به علت عدم رعایت پوشش ممنوع‌الورود شدند. حراست خوابگاه در اقدامی بی‌شرمانه از دانشجویانی که بدون حجاب وارد و یا از خوابگاه خارج شدند عکس می‌گرفتند تا به عنوان مدرک از آن استفاده کنند. اجازه تاخیر داشتن از چهار بار به سه بار کاهش پیدا کرد و دانشجویانی که پس از ساعت ۱۰ وارد خوابگاه می‌شدند مورد تحقیر و توهین مسئولین گیت قرار می‌گرفتند و با خانواده‌های آنان تماس گرفته می‌شد.

آرای صادره از کمیته انضباطی دانشگاه ایرادات زیادی بر اساس شیوه‌نامه و سایر قوانین موضوعه دارد که اهم آنان به شرح زیر است.

کمیته انضباطی و حقوق دانشجویی

(۱) قانونی نبودن اتهامات و تخلفات انتسابی:

در کمیته‌ی انضباطی دانشگاه تهران با بی توجهی نسبت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و شیوه‌نامه انضباطی) دانشجویان را با عناوین اتهامی ساختگی واهی مانند «مختلط کردن سلف دانشجویی»، «شرکت و ایجاد تجمعات غیر قانونی» و... مورد مواخذه و رسیدگی قرار دادند. این درحالی است که بسیاری از این احکام مانند «شرکت یا ایجاد در تجمعات غیر قانونی» بر خلاف اصل یاد شده و اصل ۲۷ قانون اساسی و ماده ۹ منشور حقوق دانشجویی است.

تجمعات غیر قانونی فقط برای احزاب ممکن است، اما از آنجایی که در دانشگاه حزبی فعالیت نمی‌کند، پس چنین امری امکان‌پذیر نیست.

(۲) ارائه تفاسیر نادرست از مواد شیوه نامه :

تفسیری که اعضای کمیته انضباطی از مواد شیوه نامه و سایر مواد جزایی دارند تفسیری بسیار موسع بوده که بر خلاف تفسیر تصریح شده در شیوه‌نامه انضباطی است. بر اساس شیوه‌نامه دانشجویی تفسیری که باید از مواد قانونی صورت گیرد همواره تفسیری مضیق و به نفع متهم (اصل ۳ ص ۵ شیوه نامه) بوده است و کمیته انضباطی دانشگاه در مواردی مانند «ایجاد و شرکت در بلوا و آشوب» (ماده ۴۴) هر نوع تجمعی هرچند با خواسته صنفی را مصداق این عنوان اتهامی می‌داند و دایره شمول این عنوان را هرچقدر که بخواهد گسترش می‌دهد.

در عنوان اتهامی دیگری که بخواهیم به عنوان تفسیر اشتباه نام ببریم عنوان «عدم رعایت شئون دانشجویی» (ماده ۵۳) است. این عنوان اتهامی فارغ از شیوه نگارش غلط و اشتباه ماده که دارای مصادیق نامشخص و لایتناهی است، تفسیری که اعضای کمیته نیز از این ماده ارائه می‌دهند بسیار موسع بوده و دست آنان را در برخورد های سلیقه‌ای برای سرکوب هرچه بیشتر دانشجویان باز می‌گذارد.

(۳) عدم رعایت مدت های تصریح شده در شیوه نامه

کمیته انضباطی دانشگاه در احضار دانشجویان مدت های مندرج در شیوه نامه دانشجویی را رعایت نمی‌کند.

۳/۱) مدت احضار دانشجویان

زمان ۲۴ ساعته‌ای که در شیوه نامه انضباطی (تبصره ۱ ماده ۶۷) آمده است، در بسیاری از موارد توسط کمیته انضباطی دانشگاه نقض شد. دانشجویان در بعد از ظهر همان روزی که در صبح آن طی تماسی تلفنی احضار شده بودند، باید در جلسه کمیته شرکت می‌کردند. این امر امکان آماده‌سازی دانشجو برای دفاع از خود و همچنین سایر حقوق دفاعی را از دانشجویان سلب می‌کرد.

اکنون در تابستان سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ تن از دانشجویان دختر به کمیته انضباطی دانشگاه به اتهام «عدم رعایت پوشش اسلامی یا ضوابط پوششی وزارتین» جهت تفهیم اتهام و رسیدگی به اتهام به کمیته انضباطی احضار شده‌اند که این امر اولاً بر خلاف عرف دانشگاهی و تقویم آموزشی است، دوماً احضار دانشجویان خوابگاهی و فرستادن پیامک‌هایی با مضمون تهدید به برگزاری غیابی کمیته‌ها که اغلب آنان امکان حضور در محیط دانشگاهی را ندارند، نشان دهنده این مورد است که دانشگاه برای تحت فشار قرار دادن دانشجویان از هیچ ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت دریغ نمی‌ورزد.

۳/۲) ابلاغ های غیر قانونی و جعل در تاریخ ابلاغ

در زمینه ابلاغ احکام به دانشجویان موعده ۱۰ روزه ای که در تبصره ۱ ماده ۱۰۲ بعد از صدور حکم است رعایت نشده و در بسیاری از احکام دانشجویی با دست بردن در تاریخ صدور حکم، تاریخ حکم را به عقب یا جلو کشیده اند یا در زمان هایی این احکام به دانشجویان ابلاغ شده است که بسیار فراتر از تاریخ صدور مندرج در حکم است و این امر در شکایت های عالی نسبت به آرای کمیته در دیوان عدالت اداری ممکن است موجب سختی و مشقت دانشجو برای اثبات دیر اطلاع یافتن از رای خود شود.

۴) ممنوع الوردی

کمیته انضباطی و رییس دانشگاه تهران در ممنوع الوردی دانشجویان به دانشگاه موعده ۱ ماهه مندرج در تبصره ۱ ماده ۱۲ را رعایت نکردند و علاوه بر درازا کشاندن روند کمیته‌های انضباطی، که بسیاری از آنها تا پایان نیم سال دوم نیز ادامه داشتند، بسیاری از دانشجویان را بیش از ۱ و ۲ ماه ممنوع الورد نگه‌داشتند. در این زمینه مسئولین دانشگاه به دستوری از نهاد امنیتی (شاک) ارجاع می‌دادند و شرط خروج دانشجویان را از لیست ممنوع الوردی‌ها، منوط به موافقت سازمان مذکور می‌دانستند.

۵) جلسات شبه بازجویی

جلسات تفهیم اتهام کمیته انضباطی، بر خلاف شان دانشجویان، شکلی شبیه بازجویی به خود گرفت. گویی اینان با متهمی سر و کار دارند که مرتکب چندین جرم سنگین شده است و نه دانشجوی.

در جلسات تفهیم اتهام غالباً فرد تفهیم کننده در ساختمان فولاد یا سجاد، بجای ذکر حقوق دفاعی دانشجویان (بند چ ماده ۶۶) مانند حق دفاع حضوری، هشدار نسبت به اظهارات (۱۹۵ آیین دادرسی کیفری) و سایر حقوق دفاعی، در رفتارهایی خلاف شیوه نامه و قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری بر اساس گزارش‌های مخابره شده، با ضرب و شتم دانشجویان برای اخذ تعهد یا اقرار به ضرر خود (اصل ۳۸ قانون اساسی) یا با پرسیدن سوالات تلقینی (مکتوب یا شفاهی) و ارائه اسکرین‌شات‌هایی از پیج‌های شخصی دانشجویان (اصل ۲۵ ق.ا و اصل ۱۳ شیوه نامه) سعی در جمع کردن ادله به ضرر دانشجویان داشتند. چراکه اکثر پرونده‌های مفتوح در کمیته انضباطی، صرفاً بر اساس گزارش حراست باز شده‌اند و این گزارش صرفاً برای آغاز به رسیدگی کافی است نه برای صدور حکم و نمی‌تواند به عنوان ادله قرار بگیرد که البته در کمیته چنین گزارش‌هایی را به عنوان ادله می‌پذیرند.

۶) جلسات رسیدگی

جلسات رسیدگی در اغلب موارد در کمتر از ۵ دقیقه برگزار می‌شود و این امر حق دانشجویان را در دفاع از خود سلب می‌کند، زیرا ممکن است دانشجویی اقدام به تحویل لایحه دفاع نکرده و شفاها خواستار دفاع از خود باشد که برگزاری جلسات در کمتر از ۵ دقیقه آشکارا بر خلاف حق دفاع حضوری دانشجویان است و تصریح این حق را در شیوه نامه دانشجویی بی اثر می‌کند. تشکیل جلسات در زمان‌های کم، نشان دهنده این است که کمیته انضباطی، صرفاً برای رعایت شکل اقدام به برگزاری جلسات می‌کند و قصد آن به هیچ وجه استماع حقایق نیست و به گزارش‌های حراست و سایر نهادهای سرکوبگر دانشگاه اعتماد و اطمینان دارد.

همچنین در این جلسات برخلاف اصل برائت (اصل ۳۷ ق.ا و اصل ۳ شیوه نامه) دانشجویان از اول متخلف شناخته می‌شوند مگر اینکه خلاف آن برای کمیته انضباطی دانشگاه ثابت شود.

بر اساس گزارش‌های مخابره شده در پایان جلسات کمیته‌های انضباطی دانشجویان اغلب به احکام سنگینی تهدید شده و یا برای تطمیع آنان جهت اقرار علیه خود و دوستانشان، به احکام بسیار خفیف یا حکم برائت تشویق می‌شوند.

۷) اجرایی شدن حکم قبل از قطعی شدن آرا

آرا قبل از صدور نهایی حکم در شورای تجدید نظر قابلیت اجرایی ندارند اما دانشگاه و کمیته انضباطی در بسیاری از موارد با بستن سامانه گلستان دانشجویان، لغو اسکان آنان از خوابگاه و سایر امکانات رفاهی و... که برخلاف ماده ۱۰۴ شیوهنامه انضباطی است، احکام را حتی قبل از برگزاری کمیته تجدید نظر یا قبل از احضار و رسیدگی بدون هیچ حکمی اجرا می کنند.

همه اینها تنها گوشه‌ای از سرکوب‌های صورت گرفته و احکام ناعادلانه و غیرقانونی کمیته انضباطی در بزرگترین دانشگاه کشور است. در موارد زیادی حتی ساده‌ترین نکات آیین‌نامه‌ای چون ابلاغ درست احکام و تعداد حاضرین در جلسه نیز رعایت نمی‌شد. بسیاری از دانشجویان در انتخابات تشکله‌ها از سمت کمیته رد صلاحیت شدند درحالی که هیچ دلیل قانونی‌ای برای آن اعلام نشد. کمیته در پاسخ به پیگیری دانشجویان در این خصوص، آنان را به آیین‌نامه‌های نادیدنی و بالادستی شک ارجاع می‌دادند. در جلسه رسیدگی بسیاری از دانشجویان عنوان می‌شد که صدور حکم تنها بر اساس ظن نهادهای امنیتی صورت می‌گیرد. درحالی که خود اعضای کمیته نیز از کافی نبودن مستندات آگاهی داشتند.

کمیته انضباطی دانشگاه به همراه شیوهنامه ضد دانشجویی آن، بدل به پایگاهی برای سرکوب دانشجویان در دانشگاه شده است. این نهاد دانشگاهی، تجسم عدم استقلال دانشگاه و وابستگی آن به نهادهای امنیتی است. پایگاهی برای نهادهای امنیتی جهت سرکوب دانشجو درون دانشگاه. کمیته‌ای که نه تنها در تعارض با دانشجو و حقوق بنیادینش عمل می‌کند، بلکه همچنین با هر شکل از خودآیینی و آزادی‌خواهی در دانشگاه نیز در تضاد است.

اساتید؛ کنش‌ها و سرکوب‌ها

در این بخش از گزارش به نقش حمایتی اساتید در وقایع سال گذشته و سرکوب آنان توسط دانشگاه و نهادهای فرادانشگاهی می‌پردازیم.

با شروع سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ که با اعتصاب دانشجویان آغاز شد، گروهی از اساتید دانشگاه تهران نیز با حمایت از دانشجویان به اعتصاب پیوسته و از تشکیل کلاس‌ها خودداری کردند. نمونه درخشان این اتحاد میان اساتید و دانشجویان در اعتصابات دانشکده‌ی هنرهای زیبا رخ داد که بالغ بر ۱۰ تن از اساتید به صورت مستقیم و در بیانیه‌هایی گوناگون، حمایت خود را از دانشجویان اعلام کرده و حضور در کلاس‌های درس را تا آزادی دانشجویان و تضمین امنیت آنان تحریم کردند. دو تن از اساتید دانشکده‌گان فنی و تربیت بدنی نیز در اقدامی مشابه کلاس‌های خود را تعطیل کردند. بیانیه‌ای نیز از سوی جمعی از اساتید گروه موسیقی دانشگاه تهران منتشر شد که در آن ضمن تحریم کلاس‌ها، اساتید خواستار آزادی هرچه سریع‌تر دانشجویان بازداشتی و رسیدگی به خواسته‌های آنان شدند. البته لازم است یادآوری کنیم مواردی که در بالا ذکر شد همه اساتیدی هستند که به صورت رسمی و علنی اعتصاب خود را اعلام کردند و در کنار موارد بالا، گروهی از اساتید نیز به صورت غیررسمی از تشکیل کلاس خودداری کردند. همچنین بسیاری از اساتیدی که کلاس‌های خود را تشکیل می‌دادند، سعی کردند با اقداماتی مانند عدم حضور و غیاب، پیش نبردن تدریس و... هزینه‌ی اعتصاب را برای دانشجویان کاهش دهند و تلاش کردند تا این روند را حتی پس از دستور دانشگاه در ۲۶ مهر، مبنی بر تشکیل کلاس‌ها با حضور حتی یک دانشجو نیز ادامه دهند.

از سوی دیگر در دانشکده‌های مکانیک، روانشناسی، فیزیک و مهندسی صنایع برخی از اساتید همراه با دانشجویان در تحصن‌ها حاضر شدند و با اعتراض آنان همراهی کردند. این حضور حمایتی در وقایعی دیگر نیز رخ داد؛ برای مثال در دانشکده‌ی علوم اجتماعی در یکی از شوراها عمومی حضور اساتید باعث عقب‌نگه‌داشتن نیروهای پرتعداد حراست و امکان برگزاری شورا شد. همچنین در روز ۲۵ مهر حضور دو تن از اساتید در مقابل نیروهای حراست برای حفظ امنیت دانشجویان در خروج از دانشکده، به ضرب‌وشتم یکی از آنان توسط نیروهای حراست انجامید.

در این میان برخی از استادان دانشکده‌های مختلف در نامه‌ها و بیانیه‌هایی سعی در حمایت از دانشجویان داشتند که از میان آن‌ها می‌توان به «نامه ۷۲ تن از اساتید دانشگاه تهران به مسئولین بلندپایه کشور برای آزادی دانشجویان»، «نامه بیش از ۲۰۰ تن از اساتید دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران پس از واقعه دانشگاه

شریف» و «بیانیة اعتراضی بیش از ۱۰۰ تن از اساتید دانشکدگان فنی دانشگاه تهران نسبت به حمله وحشیانه نیروهای امنیتی به دانشگاه تهران در آبان ماه» اشاره کرد. شورای صنفی اساتید دانشگاه تهران نیز در نامه‌ها و بیانیه‌هایی جداگانه به حمایت از دانشجویان دانشگاه شریف، مطالبه آزادی دانشجویان بازداشتی و... پرداخت.

اما اساتید نیز سهمی از سرکوب بردند. این سرکوب‌ها در اشکال متفاوتی اعمال شد که برخی مستقیم و در موارد دیگر غیر مستقیم بودند. یکی از این اشکال مستقیم، ضرب و شتم و درگیری فیزیکی با اساتید بود. همانطور که پیش‌تر ذکر شد، یکی از اساتید دانشکده‌ی علوم اجتماعی در ۲۵ مهرماه به دلیل همراهی با دانشجویان و تلاش برای حفظ امنیت آن‌ها به هنگام خروج، توسط نیروهای حراست ضرب‌وشتم شد. همچنین طبق گزارش‌هایی که از دانشکده‌ی فنی جمع شده است در روز ۲۲ آبان هنگام تحصن دانشجویان در دانشکده‌ی فنی واقع در پردیس مرکزی، نیروهای حراست به این تحصن یورش برده و با یکی از اساتید این دانشکده گلاویز شدند. بازداشت دو تن از اساتید پردیس هنرهای زیبا نیز که اخبار آن ۹ آذر منتشر شد، یکی دیگر از این اشکال مستقیم است.

هنگامی که از ابتدای مهرماه اعتصابات دانشجویی آغاز شد و کلاس‌های درس خالی از دانشجویان بودند، همزمان با حمایت برخی از اساتید، تلاش‌هایی از سمت حراست آغاز شد که به دنبال اجبار اساتید به تشکیل کلاس و فشار بر اعتصاب‌کنندگان بودند. طبق برخی گزارش‌هایی که از پردیس مرکزی بدست آمد، برخی از نیروهای حراست و لباس شخصی با حضور در دانشکده‌ها و فشار به اساتید و آموزش‌های دانشکده تلاش داشتند تا اسامی اعتصاب‌کنندگان را از آنان بگیرند.

قطع همکاری و یا قطع حقوق اساتید یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دانشگاه برای سرکوب اساتید بوده است. در تاریخ ۱۰ دی خبر قطع حقوق چند تن از اساتید پردیس هنرهای زیبا به گوش رسید. این اساتید پیش‌تر حمایت مستقیم خود را از دانشجویان اعلام کرده بودند و قطع حقوق آن‌ها به همین دلیل بوده است. هشت روز بعد نیز خبر قطع حقوق سه تن از اساتید دانشکده‌ی ریاضی منتشر شد. شنیده‌ها و گفته‌های دانشجویان این دانشکده حاکی از آن بود که علت این قطع حقوق نیز مانند اساتید پردیس هنرهای زیبا حمایت آن‌ها از دانشجویان بوده است.

علتی که دانشگاه برای قطع همکاری با برخی از اساتید یا عملاً اخراج آن‌ها در دانشکده‌هایی مانند حقوق و علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ادبیات و علوم انسانی عنوان کرد، با آن که مستقیماً ارتباطی با حمایت‌های آن‌ها از دانشجویان نداشت و عمدتاً مربوط به پیش از اعتراضات دانشجویی ۱۴۰۱ بودند، اما بنظر می‌آید از این وقایع بی‌تاثیر نبوده و شرایط حاکم بر دانشگاه در تسریع این روند نقش مهمی داشته است. همچنین دانشگاه، رئیس پیشین دانشکده‌ی مکانیک را مجبور به بازنشستگی اجباری کرد. این شیوه قطع همکاری با اساتید مدعو و بازنشستگی اجباری، یعنی شیوه‌ای غیرمستقیم که دانشگاه دلایل آن را بی‌ارتباط با اعتراضات دانشجویی عنوان می‌کند، اصلی‌ترین شیوه‌ی سرکوب اساتید به شمار می‌آید.

پس از وقایع ۷ آبان که طی آن نیروهای لباس شخصی وارد دانشکده‌گان فنی واقع در امیرآباد شدند، اساتید این دانشکده در بیانیه‌ای انتقادات جدی‌ای را متوجه ریاست دانشگاه کردند. پس از این بیانیه، در بهمن ۱۴۰۱ جلساتی در هیأت رسیدگی به تخلفات برای اساتیدی که این بیانیه را امضا کرده بودند تشکیل شد. طبق گزارشات رسیده، از این اساتید در خصوص بیانیه‌شان پرسش به عمل آمد و تهدید شدند که یا اخراج می‌شوند و یا با آن‌ها قطع همکاری می‌شود.

حمایت استادان دانشگاه از دانشجویان، وجهی دوسویه یافت و در مقابل دانشجویان نیز پس از آغاز سرکوب اساتید دانشگاه در اقدامات مختلفی سعی در حمایت از آنان داشتند. تحصن، انتشار بیانیه و دیگر اقدامات دانشجویان هنرهای زیبا، تحصن دانشجویان دانشکده ادبیات، برگزاری شورای عمومی و امضای نامه حمایتی در دانشکده علوم اجتماعی، انتشار بیانیه توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشکده مکانیک، حضور حمایتی حداکثری در کلاس‌های درس اساتید قطع حقوق شده در دانشکده ریاضی و بیانیه دانشجویان دانشکده روابط بین‌الملل، همه از جمله اقداماتی هستند که در حمایت از اساتید قطع حقوق، تعلیقی یا اخراج شده صورت گرفته‌اند.

دانشگاه و نهادهای امنیتی فرادانشگاهی با آگاهی از نقشی که استادان می‌توانند در راستای اعمال کنترل بر دانشجویان ایفا کنند دست به اقداماتی زدند که لازم است به برخی از آن‌ها نیز اشاره‌ای گذرا کنیم. در تاریخ ۲۶ مهرماه بخشنامه‌ای از سوی دفتر برنامه‌ریزی و نظارت آموزشی دانشگاه تهران به ریاست دانشکده‌ها ابلاغ شد که طی آن از آنان خواسته شده بود دستور بدهند کلیه کلاس‌های دانشگاه حتی با حضور یک دانشجو برگزار شوند، بخشنامه‌ای که انتشار آن به معنای پذیرش سیاست شکست‌خورده دروغ خواندن اعتصابات بود و سعی داشت با فشار به اساتید و دانشجویان این اعتصاب را بشکند.

در نیمه آبان بیانیه‌ای از سوی ۴۸۶ نفر از استادان دانشگاه تهران از خبرگزاری‌های رسمی منتشر شد که ضمن اعلام به تثبیت رسیدن برگزاری کلاس‌ها در محیطی امن، آن دسته از اساتیدی را که گویا از کارکرد اساسی دانشگاه فاصله گرفته‌اند به تدبیر و تعقل بیشتر دعوت می‌کرد. نامه‌ای که پیگیری‌های دانشجویان مشخص کرد اسامی بسیاری از اساتید بدون اطلاع آنان در آن درج شده و اعتبار آن به گونه‌ای زیر سوال رفت که از سایت یکی از خبرگزاری‌های منتشرکننده آن حذف شد! همچنین طبق اعلام دبیر کمیته انضباطی دانشگاه، شاک (شورای امنیت کشور) در طی بخشنامه‌هایی این امکان را به دانشگاه‌ها داده است که بدون داشتن حکم حقوق اساتیدی را که دست به "تحریک" دانشجویان می‌زنند، قطع کنند.

مجموعه این اقدامات و واکنش‌های شدید از سوی دانشگاه و دیگر نهادهای فرادانشگاهی به خوبی آشکار می‌سازد که همراهی اساتید و دانشجویان به عنوان بخش‌های مختلف سیستم دانشگاهی چگونه می‌تواند باعث شود سازوکار

دانشگاه مختل شده و سیاست سرکوب با مشکل روبه‌رو شود، امری که می‌تواند به‌عنوان یک امکان در افزایش
اثربخشی جنبش دانشجویی در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرد.